

Maulana Khalid Naqshbandi's Persian Written Works and His Role in Developing Persian Language and Literature Out of Iranian Borders

Mohiaddin Amjadi – 

Ph.D. Student of Persian Language and Literature, Urmia University, Urmia, Iran

Abdollah Tolouei Azar 

Assistant Professor, Department of Persian Language and Literature, Urmia University, Urmia, Iran

Abstract

Different researches about Mysticism usually take the mystical and religious function of this subject into consideration. However mystical and abbatial subjects have had different social, political, and literary functions further than religious functions. This article by considering the literary application of Naqshbandi mysticism wants to pay attention to another nonreligious function of this subject. For this reason, we have taken Maulana Khalid Naqshbandi's Persian written works and his effects on developing the Persian language out of Iranian borders. This research, firstly, in a descriptive and analytical way clarifies the reason and backgrounds in which Maulana Khalid uses the Persian language in his letters and works. Then he considers the publication domain of these letters to different parts of the Islamic world. Moreover, the social status of the audience of Maulana Khalid's letters and their role in the republishing of these letters outside the borders of Iran have been studied.


Keywords: Mysticism, Persian Language, Written Works, Kurdistan Naqshbandieh, Maulana Khalid.

– Corresponding Author: m.amjadi1357@gmail.com


How to Cite: Amjadi, M., Tolouei Azar, A. (2023). Maulana Khalid Naqshbandi's Persian Written Works and His Role in Developing Persian Language and Literature Out of Iranian Borders. *Literary Text Research*, 27(96), 123-147. doi: 10.22054/LTR.2021.51421.3007

مکتوبات فارسی مولانا خالد نقشبندی و نقش آن در گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران

دانشجوی دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

محی‌الدین امجدی * 

استادیار، گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه ارومیه، ارومیه، ایران

عبدالله طلوعی آذر 

چکیده

پژوهش‌های مختلف در مورد عرفان و تصوف معمولاً کارکردهای طریقتی و آیینی این نهادها را بررسی کرده‌اند، اما نهادهای صوفیانه و خانقاهی علاوه بر نقش دینی، دارای کارکردهای مختلف اجتماعی و سیاسی و ادبی نیز بوده‌اند. این مقاله در پی آن است با بررسی رویکردهای ادبی طریقت نقشبندی، یکی دیگر از کارکردهای مهم و غیر آیینی آن را در کانون توجه قرار دهد به همین دلیل در این مقاله به بررسی مکتوبات فارسی مولانا خالد نقشبندی (۱۲۴۲-۱۱۹۳ ه.ش) و تأثیر آن در گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران پرداخته‌ایم. این پژوهش به شیوه‌ای توصیفی-تحلیلی ابتدا دلایل و زمینه‌های بهره‌گیری مولانا خالد از زبان فارسی در نگارش نامه‌ها و مکتوبات را تبیین کرده و سپس به بررسی دامنه انتشار این نامه‌ها در مناطق مختلف جهان اسلام پرداخته است. علاوه بر این، پایگاه اجتماعی مخاطبان نامه‌های مولانا خالد و نقش آن‌ها در بازنشر این مکتوبات در خارج از مرزهای ایران مورد توجه و بررسی قرار گرفته است.

کلیدواژه‌ها: تصوف، زبان فارسی، مکتوبات، کردستان، نقشبندی، مولانا خالد.

مقدمه

مولانا خالد نقشبندی (۱۱۹۳-۱۲۴۳ هجری شمسی) مروج طریقت نقشبندیه، متولد قره‌داغ در استان سلیمانیه است که پس از اتمام تحصیلات مقدماتی خود در کردستان عراق عازم ایران شد و در شهر سنندج در خدمت شیخ محمد قسیم مردوخی سنندجی علوم دینی را به اتمام رساند و از دست ایشان اجازه تدریس یافت.

مولانا خالد پس از بازگشت به سلیمانیه و چندین سال تدریس علوم دینی در مسجد عبدالرحمن پاشای بابان به امامت پرداخت و سپس عازم سرزمین حج شده و پس از دریافت‌های باطنی در سرزمین حجاز و بازگشت به سلیمانیه از طریق یکی از مریدان شاه عبدالله دهلوی به سوی سرزمین هندوستان مهاجرت نمود و طریقت نقشبندیه را از ایشان دریافت داشت (فازیل که‌ریم، ۲۰۰۹: ۲۱۳).

در حقیقت پایه‌گذار طریقت نقشبندیه خواجه بهالدین محمد نقشبند است که در فاصله ۷۱۸ تا ۷۹۱ هجری قمری در بخارا می‌زیسته است (عابدی، ۱۳۷۰: ۳۹۰). بهالدین محمد نقشبندی خود نیز با ایجاد تغییرات و اصلاحات در طریقت‌های پیشین، طریقت نقشبندی را بنیان نهاده بود. مولانا خالد پس از دریافت این طریقت به کردستان بازگشته و به انتشار آن پرداخت و به همین دلیل آن را نقشبندیه مجددیه خالدیه نیز می‌نامند. ظهور این طریقت، مخالفت‌های طریقت‌قادریه، دیگر طریقت‌بانفوذ در کردستان عراق را در پی داشت. شیخ معروف نوده‌ی، ملامحمد بالکی و دیگر بزرگان طریقت‌قادریه از در مخالفت با مولانا خالد در آمدند. این مخالفت‌ها تأثیرهای گوناگونی در حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و ادبی در کردستان آن روزگار داشته است.

ظهور این مخالفت‌ها در حوزه ادبی، عاملی شد که شعر و ادبیات در آن مناطق رونق بیشتری یابد. شیخ معروف نوده‌ی و مولانا خالد نقشبندی که در رأس این دو طریقت قرار داشتند، خود از ادیبان و شاعران برجسته کردستان در قرن سیزدهم به حساب می‌آیند که هر دو آثار متعددی به زبان‌های کردی، عربی و فارسی تألیف کرده‌اند. بزرگان طریقت‌قادریه با ارسال مکتوبات و تألیف آثار متعدد، همواره سعی داشتند مانع گسترش طریقت نقشبندیه در کردستان شوند تا جایی که شیخ معروف نوده‌ی با ارسال رساله‌ای به عنوان «تحریر الخطاب فی رد علی خالد الکذاب» به سعید پاشا، والی بغداد، مخالفت خود با

مولانا خالد را بیان کرده و از او می‌خواهد که به هر شیوه‌ای مانع انتشار افکار مولانا خالد نقشبندی شود (قنبری و خسروی‌زاده، ۱۳۹۵: ۱۷۱).

در پاسخ به این مخالفت‌ها بود که مولانا خالد در تلاشی مستمر موفق شد جانشینان مختلفی را در مناطق وسیعی از ایران، عراق، ترکیه و سوریه به سوی خود جلب کند. مولانا خالد برای اقناع جامعه و دستیابی به مرجعیت و همچنین برتری یافتن بر دیگر رقبای خود در کنار همه اقدامات اجتماعی و سیاسی به هنر و ادبیات متوسل شد. یکی از توانایی‌های مولانا خالد قدرت ادبی و توانایی فوق‌العاده او در سرایش شعر و نگاشتن مقالات و رساله‌های مختلف به سه زبان فارسی، عربی و کردی بود. او از ظرفیت بالای ادبیات در اقناع مخاطبین آگاه بود و همین امر سبب شد که بخشی از فعالیت‌های خود را به سرودن شعر و نوشتن مقالات و مکتوبات صرف کند. مولانا خالد دارای دیوان اشعاری است که مجموعه‌ای از اشعار فارسی، کردی و عربی را شامل می‌شود. بخش فارسی دیوان او شامل ۶۷ غزل، ۸ قصیده، ۶ مثنوی، ۳ مخمس، ۱۰ رباعی، ۶ قطعه، ۳۴ بیت فرد و ۱ ترکیب‌بند است (چیره و شاه‌حسینی، ۱۳۹۴: ۱۶۷). در کنار آفرینش‌های ادبی فوق‌باید از مکتوبات و نامه‌های مولانا خالد نام برد که آن‌ها را در پاسخ به مریدان، ارتباط با امرای بابان، ارتباط با اعضای خانواده خود و... نوشته است. مولانا خالد در این باره می‌گوید: «معلوم خاطر شریف است که از جمیع اقطار، حتی از سمت خراسان و ماورالنهر دائم نامه‌های احباب می‌آید» (مدرس، ۲۰۱۳: ۲۷۲).

دقت مولانا خالد در پاسخگویی به این نامه‌ها نشان می‌دهد که ایشان به تأثیر ادبی متون به خوبی واقف بوده و همواره در تلاش بوده است متونی ادبی و فاخر تولید کند. نکته حائز اهمیت در نگارش مکتوبات مولانا خالد این است که از مجموعه مکتوبات فارسی و عربی به دست آمده از ایشان نامه‌های فارسی دو برابر نامه‌های عربی است در حالی که بیشتر ارتباط مولانا خالد با محیط عربی عراق و سوریه بوده و حتی موقعیت جغرافیایی کردستان عراق نیز ایجاب می‌کرده است که بیشتر مکتوبات به زبان عربی باشد. موضوع دیگر اینکه مولانا خالد در نگاشتن این نامه‌ها سعی داشته است به شیوه مکتوبات کهن زبان فارسی از انواع صورخیال و صناعات لفظی و معنوی بهره گیرد. متن این مکتوبات بیشتر از همه مسجع و فنی است و تعداد کمی از آن‌ها به نثر ساده یا مرسل نگاشته شده است. از نکات برجسته در این مکتوبات، استفاده بیش از حد مولانا خالد از

شعر شاعرانی همانند حافظ، سعدی، جامی و شیخ محمود شبستری است که همین موضوع به عاملی برای گسترش شعر و ادبیات فارسی و باز نشر آن در مناطق مختلف خارج از ایران تبدیل شده است.

از آنجا که گستره انتشار نامه‌های مولانا خالد، مناطق کردستان عراق، سوریه و شامات تا ماوراءالنهر و هندوستان را دربر می‌گیرد، نگارش این مکتوبات به زبان فارسی، نقش مهمی در باز نشر زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران داشته است. ما در این مقاله در پی آن هستیم که چگونگی نقش مکتوبات مولانا خالد در گسترش زبان و ادبیات فارسی را بررسی کنیم. برای این کار ابتدا دلایل و زمینه‌های استفاده مولانا خالد از زبان فارسی در نگارش مکتوبات را بررسی کرده و سپس حوزه انتشار این نامه‌ها را در مناطق مختلف خارج از ایران به تشریح بیان کرده‌ایم. علاوه بر این، جایگاه اجتماعی مخاطبان این نامه‌ها و نقش آنان در باز تولید و باز نشر مکتوبات به زبان فارسی بیان شده است.

۱. بیان مسأله

به طور عام در بیشتر پژوهش‌هایی که در حوزه عرفان و تصوف انجام گرفته، مسائل دینی و خانقاهی، آداب و رسوم و معرفی مشایخ و به بیانی دیگر کارکردهای آیینی تصوف و طریقت بررسی شده است. این پژوهش قصد دارد یکی دیگر از کارکردهای مهم طریقت؛ یعنی کارکردهای ادبی آن را بررسی کند. بر این اساس تعداد ۱۹۵ نامه فارسی به جای مانده از مولانا خالد را بررسی کرده و به نقش این مکتوبات در گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران پرداخته است. علاوه بر این، میزان گستردگی این نامه‌ها در مناطق مختلف جهان اسلام و پایگاه اجتماعی مخاطبین نامه‌ها از مهم‌ترین مسائل مورد توجه در این پژوهش است. این مقاله تلاش دارد کارکردهای ادبی و فراموش شده طریقت و تصوف در کردستان را بررسی کرده و به تشریح این موضوع بپردازد که خانقاه‌های کردستان در قرن سیزدهم به عنوان نهادهای آیینی و فرهنگی نقش مهمی در گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران داشته‌اند که در پژوهش‌های حوزه عرفان و تصوف چندان مورد اعتنا نبوده است.

۲. پیشینه پژوهش

مقالات و رساله‌های دانشگاهی متعددی درباره عرفان و تصوف در کردستان انتشار یافته است که از این میان می‌توان به کتاب «تاریخ تصوف کردستان» از رئوف توکلی (۱۳۸۱) و کتاب «تاریخ جامع تصوف در کردستان» اثر روحانی (۱۳۸۵) اشاره کرد. درباره طریقت نقشبندیه و مولانا خالد نقشبندی نیز کتاب‌ها و مقالات متعددی چاپ شده است که از این میان می‌توان به کتاب معتمدی (۱۳۶۸) با عنوان «نقشی از مولانا خالد نقشبندی و پیروان طریقت او» و کتاب «نقشبندیه در آسیای غربی و مرکزی» نوشته اوزدالگا^۱ (۱۳۸۹) اشاره کرد. علاوه بر این، چیره (۱۳۹۴) با عنوان «سبک‌شناسی اشعار فارسی مولانا خالد نقشبندی و معرفی نسخه‌های خطی آن» به بررسی و معرفی چند نسخه خطی از آثار مولانا خالد و بررسی اجمالی برخی از نسخ خطی آثار وی پرداخته است.

کاکایی (۱۳۸۸) پایان‌نامه‌ای با عنوان «سبک‌شناسی اشعار فارسی مولانا خالد نقشبندی» برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد در دانشگاه پیام نور تهران ارائه کرده است. پایان‌نامه «ویژگی‌های سبکی و معنایی نامه‌های فارسی مولانا خالد نقشبندی» نیز موضوعی است که صوفی (۱۳۹۵) برای دریافت مدرک کارشناسی ارشد در دانشگاه کردستان ارائه کرده است. علاوه بر این، مارتین وان بروین سن^۲ (۱۳۹۳) در کتاب «جامعه‌شناسی مردم کرد» چند فصل کتاب خود را به تحلیل جامعه‌شناسی تصوف و عرفان در کردستان اختصاص داده است.

موضوع مقاله پیش رو با عنوان «مکتوبات فارسی مولانا خالد و نقش آن در گسترش زبان فارسی در خارج از مرزهای ایران» در هیچ مقاله یا پایان‌نامه دانشگاهی یا کتاب مستقلی بررسی نشده است.

۳. فرضیه‌ها

فرضیه‌های این پژوهش را می‌توان چنین برشمرد؛ نخست آنکه با توجه به گسترده‌گی طریقت نقشبندیه و ارسال مکتوبات و نامه‌های مولانا خالد به مناطق مختلف جهان اسلام، این نامه‌ها را می‌توان عامل گسترش زبان فارسی در خارج از ایران دانست. دوم اینکه شواهد بسیاری از اشعار حافظ، سعدی، جامی و شبستری و... در مکتوبات مولانا خالد یافت

1. Ozdalga, E.

2. Broensen, M.

می شود که علاوه بر اینکه نشانه پیوستگی عمیق ایشان با زبان فارسی است، می تواند به عنوان عاملی برای نشر شعر فارسی در خارج از مرزهای ایران شود.

۴. بحث

۴-۱. دلایل استفاده مولانا خالد از زبان فارسی در نگارش مکتوبات

مکتوبات و نامه های به جای مانده از مولانا خالد که در کتاب «یادی مهردان» اثر ملا عبدالکریم مدرس جمع آوری شده است شامل ۱۹۵ نامه به زبان فارسی و ۹۱ نامه به زبان عربی است. این ارقام نشان دهنده نسبت دو برابری نامه های فارسی به نامه های عربی است. نکته ای که در این مقایسه آماری به چشم می آید این است که اگر قرار بود مولانا خالد به زبانی غیر از زبان مادری خود به خلق اثر پردازد، چرا زبان فارسی را بر زبان عربی ترجیح داده است در حالی که زبان عربی، زبان قرآن و حدیث بوده و یکی از فضیلت های اهل علم در آن روزگار محسوب می شده است. علاوه بر این، زبان عربی، زبان مردم عراق و حجاز و شامات است و مولانا خالد به تناوب در این مناطق زندگی کرده است. برای تشریح این موضوع و یافتن پاسخ این سؤال ابتدا باید به بررسی زیر ساخت های فرهنگی و ادبی موجود در روزگار مولانا خالد پردازیم.

۴-۱-۱. پیشینه فرهنگی و تعلیم زبان فارسی در حجره های علوم دینی

کردستان

شیوه تعلیم و آموزش در مکتب خانه های مناطق مختلف کردستان از روزگاران گذشته به سبک و سیاق مکتب خانه های ایران بوده است و در کنار آموزش زبان عربی از کتاب هایی همانند «گلستان»، «بوستان»، «نصاب الصبیان»، «نان و حلوا» ی شیخ بهایی و «میزان التعلیم» شیخ عبدالکریم بوشهری و... در جهت آموزش زبان فارسی استفاده می شده است (امجدی، ۱۳۸۶: ۲۲).

مطالب فوق و نزدیکی آداب و رسوم کردها با دیگر ایرانیان سبب شده است که آنان همواره متون زبان فارسی را از خود دانسته و به آن عشق بورزند. به عنوان نمونه، کتاب شاهنامه در نظر کردها همواره از شأن و منزلتی بسیار برخوردار بوده است. صدیق الدملوجی در کتاب «الکردیه» در این باره می نویسد: «کردها حماسه سرایی و شاهنامه

خوانی را دوست داشته و بسیاری از داستان‌های شاهنامه را از حفظ دارند» (طیبی، ۱۳۷۵: ۲۶) و به خاطر همین عشق و علاقه به میراث زبان و ادب فارسی بود که امیران کرد نژاد سلسله ایوبی مصر به «البنداری» شاعر عرب دستور ترجمه شاهنامه به زبان عربی را صادر کردند و با این کار سبب انتشار و گسترش شاهنامه در خارج از ایران شدند.

علاقه به شاهنامه در میان کردها به حدی است که آنان خود بسیاری از داستان‌های شاهنامه را سینه به سینه و براساس روایت شفاهی و فولکلور به شعر گورانی روایت می‌کنند (امجدی، ۱۳۸۶: ۲۴). البته باید یادآور شد که روایت منظوم و شفاهی مردم کرد از شاهنامه در بخش‌های مختلفی با شاهنامه فردوسی تفاوت دارد که این موضوع در رساله‌ها و مقالات دیگری قابل طرح است. در کنار علاقه به شاهنامه، دیگر متون شعری ادبیات فارسی نیز همانند اشعار حافظ، سعدی و مولوی و... محبوبیت فراوانی داشته است و بسیاری از شعرای مشهور ادبیات کردی همانند «نالی»، «محو»، «وفایی»، «شیخ رضا طالبانی» و... در اشعار خود از اندیشه و اشعار شاعران فارسی سرا استفاده برده‌اند. تضمین کردن بسیاری از شعرهای فارسی به وسیله شاعران کرد زبان، نشانه آشکاری از عشق و علاقه مردم کردستان به زبان فارسی است.

حیرت سجادی (۱۳۶۴) در کتاب «پارسی گویان کرد» از شاعری به نام «ابن یمین سلیمانیه‌ای» نام برده است که تمام دیوان حافظ را به صورت مخمس تضمین کرده است. وی در کتاب گلزار شاعران کردستان و صفی‌زاده (۱۳۶۶) در کتاب «پارسی گویان کرد» تعداد زیادی از شاعران کردی را که به زبان فارسی شعر سروده‌اند، معرفی کرده و ضمن بیان شرحی از احوال ایشان چندین نمونه از اشعار آنان را نیز ارائه داده‌اند. براساس آنچه ذکر شد، مشخص شد که شعر و ادبیات فارسی در جامعه کردی نفوذ و حضور کاملی داشته است و شاعران کرد، عموماً در کنار خلق آثار به زبان کردی بخشی از آفرینش‌های شعری خود را به زبان فارسی ارائه می‌کرده‌اند و مولانا خالد نقشبندی نیز در نوشتن مکتوبات و نامه‌های فارسی خود تحت تأثیر این پیوندهای تاریخی و سوابق فرهنگی و ادبی بوده است.

۴-۱-۲. آشنایی مولانا خالد با محیط ایرانی و پیوند او با دربار قاجار

یکی دیگر از دلایل توجه مولانا خالد به زبان فارسی در نگارش نامه‌ها و مکتوبات، ارتباط و پیوند ایشان با محیط فرهنگی ایران زمین بوده است. همانطور که گفتیم مولانا

خالد پس از پایان تحصیلات مقدماتی در قره داغ، سلیمانیه، کویسنجق و اریل به کردستان ایران آمده در شهر سنندج در خدمت شیخ قسیم مردوخ سنندجی به تحصیل پرداخت. اقامت در ایران و آشنایی بیشتر با فرهنگ، شعر و ادب فارسی را می‌توان از اسباب گرایش او به زبان فارسی دانست. علاوه بر این، بخش بزرگی از صوفیان نقشبندیه در مناطق کردنشین ایران ساکن بودند که همین امر ارتباط بیشتر او را با مناطق گوناگون ایران ضرورت می‌بخشید.

پیوند و آشنایی مولانا خالد نقشبندی با دربار پادشاهان قاجاری نیز می‌تواند به عنوان یکی دیگر از عوامل گرایش و علاقه ایشان به زبان فارسی در مکتوبات معرفی شود. نامه شماره ۱۸۸ مولانا خالد برای میزرا عبدالوهاب منشی الممالک پادشاه ایران نگاشته شده است. وی در این نامه، شاه ایران را ستایش می‌کند که درویش دوستی کرده و از طریق منشی الممالک خود با مولانا خالد مکاتبه کرده است. در این نامه آمده است: «بنان بیان را به سخنان سبحان سا، به یاد فقیر بی‌نام و نشان جنبش دادن و سلام و پیام را به خدمت ارباب فقر و فنا فرستادن ... نه از آن جناب دولت علیه استعجابی دارد و نه از چاکران شاه مسکین نواز استغرابی» (مدرس، ۲۰۱۳: ۳۱۸). این نامه نشانه‌ای از پیوند عمیق مولانا خالد با مراکز سیاسی و فرهنگی ایران در دوره قاجار است. بی‌گمان پیوند مولانا خالد با این مراکز هم از جهت رفع مشکلات احتمالی مریدان و جانشینان خود در ایران اهمیت داشته و هم از نظر دستیابی به یک مرکز سیاسی و داشتن یک حامی قدرتمند همانند پادشاه قاجار در آن سوی مرزها دارای اهمیت بسیار بوده است. ناگفته پیداست که ارتباط با مراکز دینی و فرهنگی موجود در قلمرو حکومت عثمانی با توجه به رقابت‌های تاریخی این دو نظام سیاسی برای حکومت قاجاریه نیز از اهمیت قابل توجهی داشته است.

۴-۱-۳. آشنایی مولانا خالد با مکتوبات مهم زبان فارسی

یکی دیگر از دلایل توجه مولانا خالد به زبان فارسی در نگارش نامه‌ها و مکتوبات، توجه ایشان به سابقه کهن این نوع ادبی و الگوپذیری از شیوه‌های تألیف آن در زبان فارسی بوده است. بی‌گمان مولانا خالد در نگارش مکتوبات و منشآت خود به نمونه‌های قدیمی و رایج آن در زبان فارسی نظر داشته است به عنوان نمونه «ارکان اصلی منشآت و مکتوبات که شامل صدر مکتوب، شرح اشتیاق و خاتمه مکتوب است» (خطیبی، ۱۳۷۵: ۴۱۴) در مکتوبات مولانا خالد دقیقاً رعایت شده است.

از مکتوبات و منشآت کهن زبان فارسی که می‌تواند الگوی مولانا خالد نقشبندی باشد، می‌توان مکتوبات سنایی، جامی و بسیاری دیگر را نام برد که به عنوان الگوهایی عملی می‌توانسته‌اند توجه مولانا خالد را به خود جلب کنند. از دیگر مکتوبات در حوزه طریقت به ویژه در منطقه شبه قاره می‌توان از مکتوبات شرف‌الدین منیری یکی از عرفای قرن هشتم نام برد. «این مکتوبات که به مکتوبات صدی مشهور است با هدف ارشاد مخاطب و گسترش تعالیم شریعت و تبیین مقامات طریقت انتشار یافته است» (دیران، ۱۳۸۵: ۴۴). با توجه به اینکه مولانا خالد نقشبندی، سال‌ها در سرزمین هندوستان زندگی کرده و اساساً طریقت نقشبندی را در شهر دهلی از دست شاه عبدالله دهلوی اخذ کرده، محتمل است یکی از الگوهای عملی او در بخش نامه‌نگاری و مکتوبات، همین کتاب اخیر باشد. از دیگر مکتوبات مهم و قابل اعتنا مکتوبات فاروقی، اثر شیخ احمد بن عبدالواحد سرهندی فاروقی نقشبندی است (صاحب نقشبندی، ۱۹۴۲) که به علت وابستگی طریقتی مولانا خالد و اقامت ایشان در هندوستان می‌توان آن را نیز از منابع مورد توجه مولانا خالد در نگارش مکتوبات به حساب آورد.

۴-۱-۴. آشنایی مولانا خالد با متون منظوم عرفانی فارسی

از دیگر عوامل مؤثر در گرایش مولانا خالد برای نگارش نامه‌های خود به زبان فارسی می‌توان از وجود منابع معتبر منظوم عرفانی و بهره‌گیری ایشان از مفاهیم والای این آثار نام برد. توجه مولانا خالد به متون منظوم فارسی تا بدان‌جاست که از مجموعه ۱۹۵ نامه جمع‌آوری شده از مکتوبات ایشان، حدود ۱۶۶ بیت از اشعار شاعران زبان فارسی ذکر شده است. این مقدار توجه و بهره‌گیری از شعر فارسی نشانه‌ای است که اهمیت و پیوستگی عمیق ایشان با شعر و زبان فارسی است. از شاعرانی که ابیاتی از آن‌ها به عنوان شاهد مثال در منشآت مولانا خالد آمده است، می‌توان از حافظ، سعدی، مولانا، عطار نیشابوری، جامی، نظامی، شیخ محمود شبستری، صائب تبریزی و... نام برد. مولانا خالد در مکتوبات خود معمولاً برای بالا بردن وجه ادبی آثار خود در اغراض گوناگونی همانند بیان ارادات و دوستی، تجدید محبت، هشدار و تحذیر و سرزنش مخالفان یا مریدان خطاکار، در نصیحت و تشویق مریدان به استقامت در مسیر طریقت و... شواهد مختلفی از شعر فارسی را ارائه کرده؛ زیرا به قدرت اقناع بالای شعر فارسی به خوبی واقف بوده است. از نمونه ابیاتی که مولانا خالد در مکتوبات خود استفاده کرده است ذیلاً شواهدی را بیان می‌کنیم.

ایشان در نامه شماره ۳۱ چنین آورده است (مدرس، ۲۰۱۳: ۱۷۶) «...اهل فقر در نشست و خاست و گفت و شنود و سفر و حضر مطلقاً بدون اشاره چیزی نمی کنند چنانکه حافظ قدس سره می گوید:

در پس آینه طوطی صفتم داشته اند آنچه استاد ازل گفت بگو می گویم
(خطیب رهبر، ۱۳۷۷: ۵۱۸)

در نامه شماره ۱۸ (مدرس، ۲۰۱۳: ۱۶۵) در دعوت یکی از دوستان به صبوری و تحمل داغ دوری به این بیت حافظ استناد می کند:

ای دل اندر بند زلفش در پریشانی منال مرغ زیرک چون به دام افتد تحمل بایدش
(خطیب رهبر، ۱۳۷۷: ۳۷۳)

در نامه شماره ۵۲ (مدرس، ۲۰۱۳: ۱۹۴) در بیان تحذیر و هشدار به مخالفان خود این بیت حافظ را به عنوان شاهد مثال و نشانه ای از شکست آنان بیان می کند:

بس تجربه کردیم در این دیر مکافات با درد کشان هر که در افتاد، ورافتاد
(خطیب رهبر، ۱۳۷۷: ۱۴۹)

توجه و استناد مولانا خالد به اشعار حافظ تا آنجاست که از مجموع ۱۹۵ نامه به جای مانده از ایشان در ۳۷ نامه به اشعار حافظ استناد شده است. این ارقام نشان می دهد که مولانا خالد در هر ۵ نامه، بیتی از حافظ را به عنوان شاهد مثال و تأیید مطالب خود ارائه کرده است. این سطح از توجه و اهتمام به اشعار حافظ که نشانه پیوند عمیق ادبی و فکری ایشان با حافظ و شعر و ادبیات فارسی است، خود می تواند موضوع مقاله یا رساله ای جداگانه باشد. در نامه های فارسی مولانا خالد شواهد شعری زیادی از دیگر شاعران ارائه شده است که از این میان می توان از اشعار سعدی شیرازی نیز نمونه های متعددی را ذکر کرد. به عنوان نمونه ایشان در نامه شماره ۱۴۶ (مدرس، ۲۰۱۳: ۲۷۵) خطاب به عثمان بگ بابان چنین گفته است: «عرائض متعدده شما در دم صبح رسید، اظهار اخلاص نهال

دست پرور فقرا، اعنی و کلاء عالی را ملاحظه نمودیم. سعدی شیرازی علیه‌الرحمه گفته است:

سعدی به روزگاران مهری نشسته بردل بیرون نمی‌توان کرد الا به روزگاران
(فروغی، ۱۳۸۲: ۵۹۲)

در نامه شماره ۱۳۹ (مدرس، ۲۰۱۳: ۲۶۷) خطاب به حاج احمد افندی می‌نویسد:
«دگر بای وجه کان انحراف را از شاهراه شریعت غرا، از هیچ فردی نمی‌پسندیم. سعدی شیرازی علیه‌الرحمه گفته است:

که سعدی مپندار راه صفا توان رفت جز در پی مصطفی
(فروغی، ۱۳۸۲: ۵۹۲)

یا در نامه شماره ۱۳۴ (مدرس، ۲۰۱۳: ۲۶۳) برای گرفتن حق غضب شده یکی از مریدانش خطاب به اسماعیل آغا از رجال متنفذ دوران نامه‌ای نوشته و او را به داد پروری دعوت کرده و در پایان بی هیچ شرحی او را با این بیت سعدی هشدار می‌دهد:

«وقت ضرورت چو نماند گریز دست بگیرد سر شمشیر تیز»
(فروغی، ۱۳۸۲: ۳۲)

در نمونه‌های پیشین تنها ابیاتی از حافظ و سعدی را ارائه کردیم، اما در مجموعه مکتوبات مولانا خالد شواهد شعری بسیاری از دیگر شعرای زبان فارسی همانند نظامی گنجوی، مولانا، جامی، صائب و شیخ محمود شبستری ارائه شده است که این سطح از توجه به مشاهیر، ادبا و مؤلفه‌های فرهنگ و ادبیات فارسی و استناد به آن‌ها را می‌توان یکی از اسباب انتشار عناصر فرهنگ ایران زمین به شمار آورد. در واقع همین امر سبب می‌شود که این مکتوبات را به عنوان یکی از عوامل ترویج فرهنگ و ادبیات ایران زمین، مورد توجه قرار دهیم.

۲-۴. گسترده‌گی حوزه انتشار مکتوبات فارسی مولانا خالد در خارج از

ایران

گسترده‌گی نامه‌های فارسی مولانا خالد علاوه بر اینکه نشانه حضور وسیع طریقت تازه تأسیس نقشبندیه در مناطق مختلف است، بیانگر گسترش نفوذ و رواج زبان فارسی در مناطق مختلف خارج از ایران و توانایی مردم آن نواحی در درک و فهم متون فارسی است. نامه‌های فارسی مولانا خالد به مناطق مختلف تحت اداره دولت‌های عثمانی، قاجاریه و مناطقی از شبه قاره ارسال و از این مناطق نیز نامه‌های بسیاری دریافت می‌شد که همین امر نشانه‌ای عمیق از گسترش زبان فارسی در مناطق مختلف خارج از ایران است. مولانا خالد در نامه شماره ۱۴۴ به این موضوع اشاره کرده و می‌گوید: «معلوم خاطر شریف است که این مسکین، تنها و منفرد است و از جمیع اقطار عالم، حتی از سمت خراسان و ماوراءالنهر دایم نامه‌های احباب می‌آید» (مدرس، ۲۰۱۳: ۲۷۲).

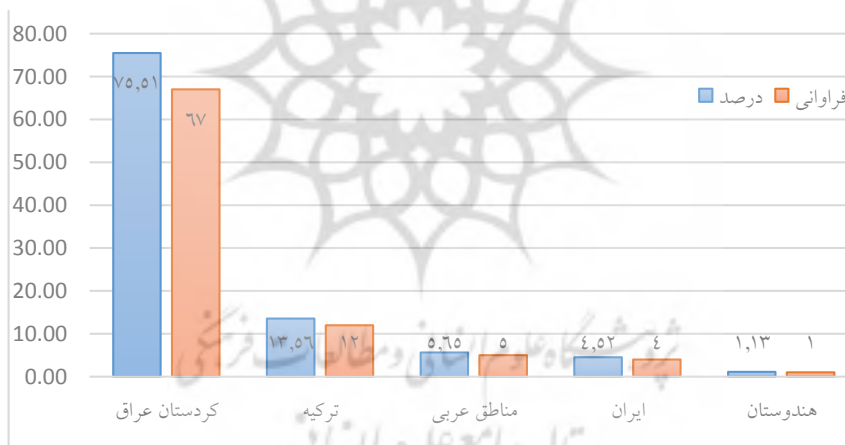
کتابت این حجم از نامه‌ها به زبان فارسی و ترجیح یافتن آن بر زبان عربی و کردی از جانب مرجعی همانند مولانا خالد نقشبندی سبب شد که خلفا و جانشینان ایشان در مناطق مختلف همین رویه را ادامه دهند. به عنوان نمونه، شیخ عثمان سراج الدین نقشبندی، یکی از مشهورترین خلفای ایشان در کردستان عراق با وجود گسترش و نفوذ زبان‌های کردی و عربی در آن مناطق، نامه‌های خود را به زبان فارسی می‌نوشته است. این موضوع را در میان دیگر جانشینان مولانا خالد در سایر مناطق نیز می‌توان مشاهده کرد. به عنوان نمونه «وفایی مهابادی، کاتب شیخ عبیدالله نه‌ری از شیوخ نقشبندیه در مناطق کردنشین ترکیه، زندگی نامه این شیوخ را به زبان فارسی نگاشته است» (حهمه باقی، ۱۹۹۹: ۵). این در حالی است که زبان‌های ترکی و عربی در آن مناطق بسیار رایج، بلکه زبان اداری و حکومتی در آن دوران بوده است. از این رو، می‌توان گفت در دورانی که پیوندهای فرهنگی و ادبی ایران با امارت‌های مختلف کرد، ترک و عرب‌نشین عثمانی به واسطه مشکلات سیاسی ما بین عثمانی و قاجاریه بسیار ناچیز بوده و زبان فارسی از هیچ‌گونه بستری برای حفظ و نشر در آن مناطق برخوردار نبوده است، خانقاه‌های طریقت نقشبندیه یگانه سنگرهای حفظ و نشر زبان و ادبیات فارسی در آن مناطق بوده‌اند.

همانطور که گفته شد از مجموع ۲۸۶ نامه به جا مانده از مولانا خالد، تعداد ۱۹۴ نامه به زبان فارسی نوشته شده است و این برتری عدی خود نشانه‌ای از پیوستگی فرهنگی و

عاطفی مولانا خالد و همچنین مردم آن مناطق با زبان و ادبیات فارسی است. با بررسی و شمارش نامه‌های مولانا خالد آمار زیر به دست می‌آید.

مجموعه کل نامه‌های فارسی مولانا خالد ۱۹۴ نامه است که از این میان مخاطب و مقصد ۱۰۵ نامه مشخص نیست. در کتاب یاد مردان این نامه‌ها با عبارات‌های کلی «نامه برای یکی از دوستان»، «نامه برای جمعی از مریدان»، «نامه برای یکی از بزرگان»، «نامه برای یکی از منسوبان» و... مشخص شده است. از مجموع تعداد ۸۹ نامه‌ای که مقصد آن‌ها مشخص است، تعداد ۶۷ نامه برابر با ۷۵/۵۱ درصد به مقصد کردستان عراق ارسال شده است. تعداد ۱۲ نامه برابر با ۱۳/۵۶ درصد به مناطق مختلف ترکیه، تعداد ۵ نامه برابر با ۵/۶۵ درصد به مناطق عربی و تعداد ۴ نامه برابر با ۴/۵۲ درصد به مناطق ایران و تعداد ۱ نامه برابر با ۱/۳۱ درصد به هندوستان ارسال شده است. این ارقام در نمودار (۱) ارائه شده است.

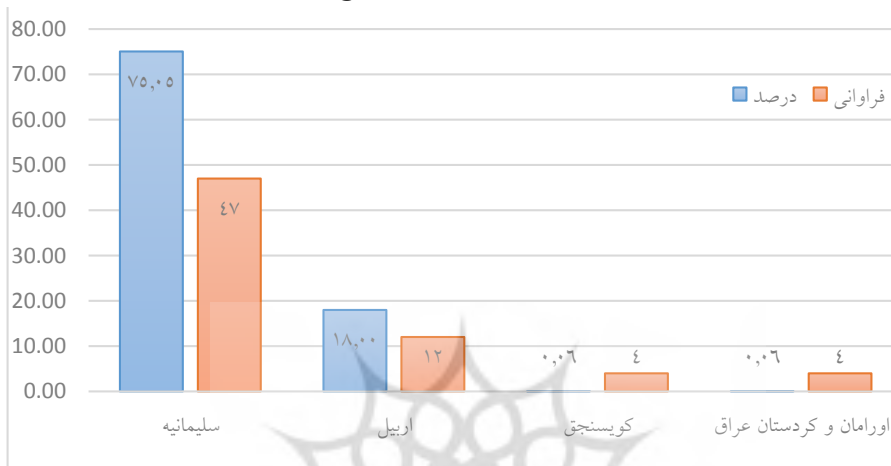
نمودار ۱. پراکندگی نامه‌های فارسی مولانا خالد در مناطق مختلف جهان (۸۹ نامه)



اگر بخواهیم پراکندگی مقصد نامه‌های مولانا خالد را در سطح کردستان عراق بررسی کنیم، متوجه می‌شویم که از تعداد ۶۷ نامه‌ای که مقصد آن‌ها شهرهای مختلف کردستان عراق است، تعداد ۴۷ نامه برابر با ۷۰/۰۵ درصد به شهر سلیمانیه و تعداد ۱۲ نامه برابر با ۱۸ درصد به مقصد اربیل ارسال شده است. شهرهای کویه و مناطق مختلف اورامان در کردستان عراق نیز هر کدام با ۴ نامه و در مجموع با ۸ نامه برابر با ۱۲ درصد

مقصد نامه‌های فارسی مولانا خالد بوده است. پراکندگی نامه‌های فارسی مولانا خالد در سطح کردستان عراق در نمودار (۲) ارائه شده است.

نمودار ۲: پراکندگی نامه‌های فارسی مولانا خالد در سطح کردستان عراق (۶۷ نامه)



همانطور که در نمودار (۱) مشخص است بجز چندین نامه که به مناطق مختلف ایران ارسال شده مقصد بقیه نامه‌های مولانا خالد در خارج از مرزهای ایران واقع شده است که گستردگی حوزه انتشار آن‌ها مناطق مختلفی از استانبول ترکیه و دمشق تا کردستان عراق و حتی شبه قاره هند را دربر می‌گیرد که این موضوع نشانه‌ای از مجاهدت علمی و طریقتی مولانا خالد و بیانگر سهم ویژه او در گسترش زبان و ادبیات فارسی در مناطق خارج از ایران است. او با انتشار نامه‌هایش به زبان فارسی، این زبان را به عنوان زبان ممتاز طریقت نقشبندیه در سایر مناطق مختلف معرفی کرد. این سنت بعدها در نامه‌های فارسی اتباع او در مناطق مختلف عراق و ترکیه ادامه یافت. علاوه بر این، استشهداد مولانا خالد به اشعار متنوع ادبیات فارسی را باید عامل دیگری برای در کانون توجه قرار گرفتن زبان و ادبیات فارسی و بسیاری دیگر از مؤلفه‌های فرهنگی ایران زمین در خارج از ایران قلمداد کرد.

افزون بر این، در بررسی آمار و ارقام پراکندگی نامه‌های فارسی مولانا خالد در سطح کردستان عراق نیز متوجه می‌شویم حدود ۷۰/۰۵ درصد از نامه‌هایی که مولانا خالد به کردستان ارسال داشته، مربوط به شهر سلیمانیه است. دلیل این رویکرد، اهمیت فرهنگی -

اجتماعی بالای شهر سلیمانیه در سطح کردستان است؛ این شهر، زادگاه و خاستگاه فرهنگی مولانا خالد و همچنین محل زندگی بسیاری از مریدان و پیروان و خلفای او بوده است. حضور طریقت قادریه و نفوذ آنان در شهر سلیمانیه و وجود رقابت‌های فرهنگی و طریقتی قادریه و نقشبندیه نیز از عوامل توجه مولانا خالد به این شهر بوده است. ارسال این حجم از مکتوبات فارسی به شهر سلیمانیه بیانگر پیوستگی فرهنگی و اجتماعی مردم آن مناطق با زبان و ادبیات فارسی و نشانه‌ای آشکار از رواج این زبان در آن مناطق بوده است. مولانا خالد خود نیز با فرستادن این نامه‌ها به یکی از عوامل تاثیرگذار در تدوام پیوندهای فرهنگی و اجتماعی آن مناطق با زبان و ادبیات فارسی بدل شده است.

۴-۳. پایگاه اجتماعی مخاطبان مکتوبات مولانا خالد

گسترده‌گی حوزه انتشار نامه‌های مولانا خالد بسیار بالاست و این امر عامل مهمی در انتشار زبان و ادبیات فارسی در مناطق بسیاری شده، اما پایگاه اجتماعی مخاطبین نیز امر مهمی در بازنشر و باز تولید مفاهیم فرهنگی ایران زمین داشته است. با توجه به اینکه مخاطبین این نامه‌ها عموماً اقشاری از سطوح بالای جامعه و گروه‌های مرجع در آن روزگار بوده‌اند، این نامه‌ها و مؤلفه‌های فرهنگی و هنری مندرج در آن‌ها از طریق همین گروه‌های مرجع، آرام آرام در جامعه انتشار یافته است. از میان گروه‌های مرجعی که مخاطب این نامه‌ها بوده‌اند، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد.

۴-۳-۱. متشرعین و علمای دینی

از میان مهم‌ترین و تأثیرگذارترین مخاطبان نامه‌های مولانا خالد باید از علمای دینی آن روزگار که در کردستان از آن‌ها با عنوان (مُلا و ماموستا) یاد می‌شود، نام برد. این عنوان به افرادی که در امور مذهبی اسلام و قوانین شریعت تحصیل کرده‌اند، اطلاق می‌شود و مشخص است که با توجه به گسترش اسلام، جایگاه و مرجعیت آن‌ها و اقتدای جمعیت مسلمانان در نمازهای یومیه و جمعه، اعیاد و مجالس و... به آنان از نفوذ کلام بالایی برخوردار بوده‌اند و همین امر امکان باز نشر مفاهیم نامه‌ها و توجه دادن مردم به زبان فارسی را برای آنان میسر می‌کرده است.

از میان نامه‌هایی که برای این طبقه اجتماعی ارسال شده است باید به ملا محمد امام (نامه شماره ۸۲)، ملا حسین چاووش (نامه شماره ۸۴)، ملا محمد جوانرودی (نامه شماره ۱۰۲)، ملا رسول کویه (نامه شماره ۱۰۳)، ملا اسماعیل هنرانی (نامه شماره ۱۰۴)، ملا محمود بازیانی (نامه شماره ۱۴۹)، ملا هدایت الله اربیلی (نامه شماره ۱۵۵)، ملا محمود (نامه شماره ۱۶۸)، ملا عباس کویه (نامه شماره ۱۸۳)، ملا محمد فقیه (نامه شماره ۱۹۴) اشاره کرد.

۴-۳-۲. شیوخ و مریدان اهل طریقت

از دیگر گروه‌های مرجعی که مخاطب و گیرنده نامه‌های مولانا خالد بوده‌اند، می‌توان از طبقه شیوخ نام برد. «شیخ» یکی از عناوین اسلامی است و به طور ویژه یکی از اصطلاحات طریقت و تصوف است. مقام «شیخوخت» با توجه به اقتدای مریدان و اهل تصوف به آن‌ها، یکی از مقامات مرجع و با نفوذ جامعه به حساب می‌آمده است. آشنایی این گروه با نفوذ با مکتوبات مولانا خالد و زبان و ادبیات فارسی سبب شده است تا بخشی از فرهنگ و زبان و ادبیات فارسی از طریق این مشایخ در میان مریدان و اهل خانقاه گسترش یابد. از جمله مشایخی که مخاطب مکتوبات مولانا خالد بوده‌اند، می‌توان شیخ محمود خیوتی (نامه‌های شماره ۴۹-۵۰-۵۱-۵۲)، شیخ شمس الدین (نامه‌های شماره ۶۶-۶۵)، شیخ احمد اربیلی (نامه‌های شماره ۱۰۶-۱۱-۸۰-۷۹-۷۸-۷۶)، شیخ عبدالوهاب سوسه‌ای (نامه شماره ۸۹)، شیخ عثمان سراج الدین نقشبندی (نامه شماره ۷۵)، شیخ محمود صاحبی (نامه شماره ۵۶)، شیخ علی (نامه شماره ۱۱۸)، شیخ اسماعیل (نامه شماره ۱۲۰)، شیخ علی قاضی سلیمانیه (نامه‌های شماره ۱۵۹-۱۴۲)، شیخ محمد فراقی (نامه‌های شماره ۱۸۴-۱۸۰-۱۷۴)، شیخ طه نه‌ری (نامه شماره ۱۷۱) را نام برد.

از میان شیوخی که مخاطب بسیاری از نامه‌های مولانا خالد بوده‌اند، نمی‌توان از ذکر شیخ عثمان سراج الدین نقشبندی گذشت؛ زیرا ایشان یکی از جانشینان مشهور مولانا خالد بوده و از مروجین بزرگ طریقت نقشبندی در کردستان به حساب می‌آیند. شیخ عثمان سراج الدین متولد ۱۱۹۵ هجری در روستای ته‌ویله در شهرستان حلبچه واقع در کردستان عراق است. او در سن ۳۱ سالگی و در همان سالی که مولانا خالد از سفر هندوستان برگشته بود با مولانا خالد آشنایی یافته و طریقت را از دست ایشان برگرفت. شیخ عثمان سراج الدین خلیفه‌ای است که مولانا خالد برای ترویج طریقت نقشبندی در

کردستان انتخاب کرده است. درباره اهمیت جایگاه او کافیسست بدانیم که او خود به تنهایی خلفای بسیاری از اورامان و کردستان تا کرکوک و طالش و دیاربکر داشته که یکی از آنان مولوی کرد است که یکی از ارکان مهم شعر کلاسیک کردی به حساب آمده و دارای آثار ارزشمندی در زبان فارسی نیز است.

ناگفته پیداست که همه این مشایخ که مخاطبان مکتوبات مولانا خالد بوده اند علاوه بر تبلیغ و نشر طریقت نقشبندیه بر همان اسلوب مولانا خالد در توجه به زبان فارسی گام برداشته و رسالات و مکتوبات بسیاری را در زبان فارسی به نگارش درآورده اند. تداوم این رویکرد در فعالیت های فرهنگی طریقت نقشبندیه سبب شد که خانقاه های این طریقت به کانون انتشار زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران بدل شود.

۴-۳-۳. امیران و بیگ زادگان امارت بابان

از دیگر مخاطبان مکتوبات مولانا خالد، خوانین، بیگ زادگان و بزرگان و متنفذین امارت بابان هستند که آن ها را با پسوند (پاشا) می شناسند. امارت بابان حکومتی محلی در کردستان عراق با مرکزیت شهر سلمیانیه بود که حکومت موروثی آن ها مورد تأیید باب عالی و زیر نظر والی بغداد از بخشودگی مالیاتی برخوردار بود. این امیرنشین حدود ۲۰۰ سال اداره سلیمانیه و حلبچه و مناطق اطراف آن را در اختیار داشت.

از جمله مشاهیر و افراد با نفوذ این امیرنشین که مخاطب نامه های مولانا خالد بوده اند، می توان عبدالرحمن پاشای بابان (نامه های شماره ۲۷-۲۸)، محمود بگ بابان پسر عبدالرحمن پاشا (نامه های شماره ۱۴۵-۷۳-۳۷-۲۵)، عثمان بگ پسر عبدالرحمن پاشا (نامه های شماره ۱۶۳-۱۴۶-۶۸-۶۱)، احمد بگ (نامه شماره ۷)، سلیمان آغا، پسرعموی مولانا خالد (نامه شماره ۵۴)، عیسی بگ (نامه شماره ۷۴)، محمود بگ صاحبقران (نامه شماره ۱۰۸)، یونس آغای مَهردار (نامه شماره ۱۲۳)، محمد خان برادر مولانا خالد (نامه شماره ۱۲۷)، اسحاق بگ (نامه شماره ۱۴۴)، اسماعیل آغا (نامه های شماره ۱۲۰-۱۱۲)، عبدالغنی آغا (نامه شماره ۱۸۹) را نام برد.

ناگفته پیداست که نفوذ کلام و اهمیت مقام سیاسی و اجتماعی امیران و بیگ زادگان امارت بابان در کردستان آن روزگار بسیار تعیین کننده بوده است. قطعاً پیوستگی آن ها با متون و مکتوبات فارسی، هم نشانه اهمیت این زبان در نزد آنان است و هم اینکه بازنشر

این مکتوبات و توجه آنان به این نوع از آثار، تأثیر زیادی در تداوم زبان و ادبیات فارسی در کردستان عراق داشته است.

۴-۳-۴. رجال متنفذ و صاحب منصب حکومتی

از دیگر مخاطبین نامه‌های مولاناخالد می‌توان از رجال سیاسی و صاحب منصب حکومتی آن دوران نام برد که آنان نیز با توجه به جایگاه و نفوذی که داشته‌اند به سهم خود از عوامل ترویج زبان و ادبیات فارسی به حساب می‌آیند. از میان این رجال می‌توان از عمر بگ فرماندار گل‌عنبر (نامه شماره ۱۰۹)، فرمانروای خورمال (نامه شماره ۱۲۴)، ملا غفور قاضی شهر بصره (نامه شماره ۱۳۵)، شیخ علی قاضی شهر سلیمانیه (نامه شماره ۱۴۳) و میرزا عبدالوهاب منشی الممالک پادشاه ایران (نامه شماره ۱۸۸) نام برد.

مولانا خالد نقشبندی برای گسترش طریقت خود همواره در تلاش بود تا با رجال سیاسی و صاحب منصب حکومتی پیوند و ارتباط داشته باشد و به همین دلیل برخی از نامه‌های ایشان متوجه مقامات حکومتی بوده است. از میان این رجال صاحب نفوذ می‌توان از میرزا عبدالوهاب منشی الممالک فتحعلیشاه قاجار (۱۲۴۴-۱۱۷۵ هجری قمری) مشهور به نشاط اصفهانی نام برد. از آنجا که بخشی از مریدان و پیروان مولانا خالد در کردستان ایران قرار داشتند، مولانا خالد برای حل کردن مشکلات احتمالی آنان و همچنین جلوگیری از مخالفت‌های حکومت و دیگر مراکز قدرت با طریقت نوپای نقشبندیه همواره در تلاش بود با مراکز قدرت در ایران ارتباط برقرار کند که از این میان ایجاد ارتباط و دوستی با منشی الممالک فتحعلیشاه قاجار که یکی از شرای با نفوذ دربار قاجار بوده، نشانه‌ای از ذکاوت بالای او در ایجاد تمهیدات برای گسترش طریقت نقشبندیه در مناطق مختلف و داشتن نگاهی فرا منطقه‌ای و فرا زبانی به انتشار طریقت از جانب اوست.

بر اساس آنچه گذشت، مشخص می‌شود مولانا خالد نقشبندی برای گسترش طریقت خود در میان اقشار مختلف جامعه و به ویژه طبقات و گروه‌های بانفوذ و مرجع همانند علمای دینی و متشرعین، شیوخ و اهل طریقت، امیران و بیگ‌زادگان و رجال متنفذ و صاحب منصب حکومتی توجه خاصی داشته و در پی آن بوده است تا با ارتباط و دوستی با آنان زمینه‌های گسترش طریقت نقشبندیه را هموار سازد. در کنار این موضوع باید خاطر نشان کرد به دلیل اینکه مخاطبین این مکتوبات همگی از طبقات بانفوذ و صاحب

جایگاه جامعه خود بوده‌اند، می‌توانسته‌اند از طریق باز نشر مکتوبات مولانا و توجه به مفاهیم ارائه شده در آن که همگی به زبان فارسی و نشأت گرفته از فرهنگ ایرانی بوده است، اسباب گسترش بیش از پیش زبان فارسی و فرهنگ و هنر ایرانی را فراهم کند. به عبارت دیگر، بین انتشار طریقت نقشبندیه خالديه و گسترش فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی یک ارتباط مستقیم وجود داشته است؛ زیرا مشایخ و بزرگان این طریقت که بیشتر آنان کرد زبان بوده‌اند به علت پیوستگی با عناصر فرهنگ ایرانی و آشنایی با زبان و ادبیات فارسی بخش عظیمی از آثار و مکتوبات خود را به زبان فارسی نوشته‌اند و همین امر ما را به این اقتناع می‌رساند که گسترش و نفوذ طریقت نقشبندیه را در هر منطقه به مثابه انتشار زبان، ادبیات و فرهنگ ایرانی تعبیر کنیم.

بحث و نتیجه‌گیری

از مجموعه ۲۸۶ نامه فارسی به جای مانده از مولانا خالد تعداد ۱۹۵ نامه به زبان فارسی و ۹۱ نامه به زبان عربی است و با توجه به اینکه محل زندگی ایشان به تناوب در مناطق مختلف عراق و سوریه بوده است باید نسبت نامه‌های عربی به فارسی بیشتری می‌بود در حالی که چنین نیست و این موضوع نشانه توجه ویژه مولانا خالد به زبان فارسی و فرهنگ ایرانی است.

از دلایل توجه مولانا خالد نقشبندی به زبان فارسی در نگارش مکتوبات باید به مواردی همچون توجه حجره‌های علوم دینی کردستان به آموزش زبان فارسی، آشنایی ایشان با محیط ایران و امارت اردلان، داشتن ارتباط با دربار قاجار و شاعران و رجال صاحب نفوذ آن همانند صبای اصفهانی اشاره کرد.

علاوه بر این، وجود مکتوبات متعدد زبان فارسی همانند مکاتیب سنایی، مکاتیب مولانا و منشآت خاقانی و همچنین مکتوبات شرف‌الدین منیری و شیخ احمد سرهندی در شبه قاره، وجود متون منظوم عرفانی همانند آثار حافظ، سعدی، مولانا، عبدالرحمن جامی، شیخ محمود شبتری، نظامی و... همگی از زمینه‌ها و دلایل توجه مولانا خالد به زبان فارسی محسوب می‌شود.

گسترده‌گی حوزه انتشار مکتوبات فارسی مولانا خالد بسیار بالاست و همانطور که خود اشاره کرده از جمیع اقطار عالم برای او نامه می‌آمده است. این گسترگی علاوه بر

اینکه نشانه‌ای از حضور زبان و ادبیات فارسی در مناطق مختلف کردستان عراق است، خود به عاملی برای انتشار بیشتر زبان و ادبیات فارسی در خارج از ایران بدل شده است. پایگاه اجتماعی مخاطبین مکتوبات مولانا خالد نیز نقشی تعیین کننده در بازنشر این نامه‌ها و در نتیجه انتشار مؤلفه‌های فرهنگ ایرانی همانند زبان فارسی، مشاهیر و بزرگان ادبیات فارسی و... داشته است؛ زیرا اغلب مخاطبین مولانا خالد از طبقات مهم و مرجع در جامعه به حساب می‌آیند که از این میان می‌توان به اقشار مختلف طبقات متشرعین و علمای دینی، شیوخ و مریدان اهل تصوف، امیران و بیگ‌زادگان امارت بابان و رجال متنفذ و صاحب منصب حکومتی اشاره کرد. از آنجا که افراد وابسته به این طبقات از نفوذ کلام و تأثیر بالایی در جامعه برخوردار بوده‌اند خود به عاملی دیگر برای گسترش و باز نشر زبان و ادبیات فارسی بدل شده‌اند.

سنت نامه‌نگاری به زبان فارسی که توسط مولانا خالد در کردستان عراق پایه‌گذاری شد، بعدها از طریق جانشینان و خلفای او پیروی شد و همین امر سبب گسترش مکتوبات فارسی در کردستان عراق شد که از آن میان مکتوبات فارسی شیخ عثمان سراج‌الدین و دیگر جانشینان او در کردستان عراق زمینه‌های تداوم حضور و آشنایی با زبان و فرهنگ ایرانی در کردستان عراق را مهیا ساخت. به همین دلیل می‌توان از تصوف و عرفان در کردستان به طور عام و خانقاه‌های طریقت نقشبندی به طور خاص به عنوان سنگرهای حفظ و صیانت از زبان و فرهنگ ایرانی در خارج از مرزهای ایران یاد کرد.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Mohiaddin Amjadi



<http://orcid.org/0000-0003-1010-2345>

Abdollah Tolouei Azar



<http://orcid.org/0000-0002-3127-9388>

منابع

احمد صاحب نقشبندی، محمدسعید. (۱۹۴۲). *مکتوبات فارسی (نامه‌های شیخ احمد سرهندی)*. فاروقی نقشبندی. کراچی: انتشارات افست پرس .

- امجدی، محی الدین. (۱۳۸۶). بررسی و تحلیل آثار شاعران کُرد پارسی گوی (مستوره کردستانی، محوی، شیخ رضا طالبانی). پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه تهران. اوزدالگا، الیزابت. (۱۳۸۹). نقش‌بندی در آسیای غربی و مرکزی. ترجمه فهیمه رحیمی. تهران: پژوهشکده تاریخ اسلام.
- بروین سن، مارتین وان. (۱۳۹۳). جامعه شناسی مردم کرد (آغا، شیخ و دولت). ترجمه ابراهیم یونسی. تهران: پانید.
- توکل، محمد رؤف. (۱۳۸۱). تاریخ تصوف در کردستان. چاپ دوم. سنندج: توکلی.
- چیره، نسرين و شاه حسینی، ناصرالدین. (۱۳۹۴). سبک شناسی اشعار فارسی مولانا خالد نقشبندی و معرفی نسخ خطی. سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۸(۲)، ۱۶۲-۱۸۰.
- حماه باقی، محمده. (۱۹۹۹). بیره وهریه کانی وه فایی (تحفه المریدین). ترجمه از فارسی به کردی. هولیر: وه زاره تی روشنیری.
- خطیب رهبر، خلیل. (۱۳۷۷). دیوان غزلیات خواجه حافظ شیرازی. تهران: صفی علیشاه.
- خطیبی، حسین. (۱۳۷۵). فن نثر در ادبیات فارسی (تاریخ تطور و مختصات نقد پارسی از آغاز تا پایان قرن هفتم). تهران: زوار.
- دیران، حکیمه. (۱۳۸۵). پژوهش در مکتوبات شرف الدین منیری. مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی، ۱۴(۵۳ و ۵۲)، ۴۵-۶۵.
- روحانی، کمال. (۱۳۸۵). تاریخ جامع تصوف در کردستان. سنندج: آراس.
- روحانی، مسعود و تقی زاده، زهرا. (۱۳۹۶). گونه فرهنگی مکتوبات مولانا (بررسی گونه موضوع، مخاطب و افراد واسطه در نامه‌های مولانا). سبک شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، ۱۰(۳)، ۵۱-۶۷.
- سجادی، حیرت. (۱۳۶۴). گلزار شاعران کردستان. سنندج: ناشر مؤلف.
- سمیعی گیلانی، احمد. (۱۳۷۱). مکتوبات مولانا جلال الدین رومی. تهران: نشر دانش.
- صفی زاده بوره که‌یی، صدیق. (۱۳۶۶). پارسی گویان کرد. سنندج: ناشر مؤلف.
- صوفی، فرزانه. (۱۳۹۵). ویژگی‌های سبکی و معنایی نامه‌های فارسی مولانا خالد نقشبندی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کردستان.
- طیبی، حشمت الله. (۱۳۷۵). تصحیح تحفه ناصری در تاریخ و جغرافیای کردستان. اثر میرزا شکرالله سنندجی. تهران: امیر کبیر.
- عابدی، محمود. (۱۳۷۰). نفحات الانس جامی. تهران: اطلاعات.

- فروغی، محمد علی. (۱۳۸۲). کلیات سعدی. تهران: زوار.
- قاضی، عبدالرحیم. (۱۳۸۸). خواجه بهالدین محمد نقشبند و نقشبندیه در دوره تیموری. سنندج: کردستان.
- قنبری، صباح و خسروی زاده، صباح. (۱۳۹۵). بررسی سیاست دولت ایران و عثمانی نسبت به طریقه قادریه. مطالعات تاریخ اسلام، ۸(۳۰)، ۱۶۱-۱۷۸.
- کاکایی، پروین. (۱۳۸۸). سبک شناسی اشعار فارسی مولانا خالد نقشبندی. پایان نامه کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه پیام نور تهران.
- که‌ریم‌نهمه‌د، فزایل. (۲۰۰۹). میثرووی بیری کوردی. سلیمانیه: حه‌مدی.
- معتمدی، مهیندخت. (۱۳۶۸). نقشی از مولانا خالد نقشبندی و پیروان طریقت او. تهران: پازنگ.
- مدرس، عبدالکریم. (۲۰۱۳). یادی مه‌ردان (مه‌ولانا خالیدی نه قشبه ندی و شیخه کانی هه‌ورامان). بغداد: کوری زانیاری کورد.

References

- Ahmad Sahib Naqshbandi, M. S. (1942). Persian Letters (Letters from Sheikh Ahmad Sarhandi Farooqi Naqshbandi). Karachi: Offset Press Publishing. [In Persin]
- Abedi, M. (1992). Nafhat Al-Ans Jami. Tehran: Information Publications. [In Persin]
- Amjadi, M. (2009). *A Study and Analysis of the Works of Kurdish Persian Poets (Mastooreh Kurdistani, Mahvi, Sheikh Reza Talabani)*. Master Thesis in Persian Language and Literature, University of Tehran. [In Persin]
- Bruin Sen, M. V. (2014). Sociology of the Kurdish People (Agha, Sheikh and Dolat). Translated by Ebrahim Younesi. Tehran: Paniz Publications. [In Persin]
- Chireh, N., & Shah Hosseini, N. al-Din. (2015). Stylistics of Persian Poems by Maulana Khalid Naqshbandi and the Introduction of Manuscripts. *Quarterly Journal of Persian Poetry and Poetry (Bahar Adab)*, 8(2), 162-180. [In Persin]
- Dabiran, H. (2006). Research in Sharafuddin Muniri's writings. *Journal of the Faculty of Literature and Humanities*, 14(52&53), 45-65. [In Persin]
- Foroughi, M. A. (2004). *General Saadi*. Tehran: Zovar Publications. [In Persin]

- Ghanbari, S., & Khosravi Zadeh, S. (2017). A Study of the Policy of the Iranian and Ottoman Governments Towards the Qaderieh Method. *Quarterly Journal of Islamic History Studies*, 8(30), 161-178. [In Persin]
- Judge, A. R. (2010). *Khajeh Bahauddin Mohammad Naqshband and Naqshbandieh in the Timurid Period*. Sanandaj: Kurdistan Publications. [In Persin]
- Kakaei, P. (2009). *Stylistics of Persian Poetry by Maulana Khaled Naqshbandi*. Master Thesis in Persian Language and Literature, Payame Noor University of Tehran. [In Persin]
- Khatib Rahbar, Kh. (1998). *Divan Ghazaliyat Khajeh Hafez Shirazi*. Tehran: Safi Alisha Publications. [In Persin]
- Khatibi, H. (1996). *The Art of Prose in Persian Literature (History of the Evolution and Coordinates of Persian Criticism from the Beginning to the End of the Seventh Century)*. Tehran: Zovar Publications. [In Persin]
- Karim Ahmad, F. (2009). *History of Kurdish Thought*. Sulaymaniyah: Hamdi Publications. [In Persin]
- Motamedi, M. (1990). *A Role of Maulana Khalid Naqshbandi and his Followers*. Tehran: Pazhang Publications. [In Persin]
- Mohammad Hama Baqi. (1999). *Memoirs of Vafaei, (Tohfatul moridin) Translation from Persian to Kurdish*. Erbil: Ministry of Culture Publications.
- Moderes, A. K. (2013). *Yadi Mardan (Maulana Khalid Naqshbandi and Sheikhs of Oraman)*. Baghdad: Association of Kurdhsh Thinkers. [In Persin]
- Ozdalga, E. (2010). *Naqshbandiyya in West and Central Asia*. Translated by Fahimeh Rahimi. Tehran: Research Institute of Islamic History. [In Persin]
- Rouhani, K. (2006). *Comprehensive History of Sufism in Kurdistan*. Sanandaj: Aras Publications. [In Persin]
- Rouhani, M., & Taghizadeh, Z. (2015). The Cultural Type of Rumi's Writings (A Study of the Type of Subject, Audience, and Intermediaries in Rumi's Letters). *Stylistics of Persian Prose and Prose (Spring of Literature)*, 10(3), 51-67. [In Persin]
- Sajjadi, H. (1985). *Golzar Shaeran Kurdistan*. Sanandaj: Publisher Author. [In Persin]
- Samii Gilani, A. (1992). *Writings of Maulana Jalaluddin Rumi*. Tehran: Danesh Publishing. [In Persin]
- Safi Zade Borekei ,S. (1987). *Parsi Guyana Kurd*. Sanandaj: Publisher Author. [In Persin]

- Sufi, F. (2016). *Stylistic and Semantic Characteristics of Persian Letters by Molanakhald Naqshbandi*. Master Thesis in Persian Language and Literature, University of Kurdistan. [In Persin]
- Tabibi, H. (1997). *Correction of the Tohfeye Nasery in the history and geography of Kurdistan*. by Mirza Shokrollah Sanandaji. Tehran: Amirkabir Publications. [In Persin]
- Tavakoli, M. R. (2002). *History of Sufism in Kurdistan*. Edition 2. Sanandaj: Tavakoli Publications. [In Persin]



استناد به این مقاله: امجدی، محی‌الدین و طلوعی آذر، عبدالله. (۱۴۰۲). مکتوبات فارسی مولانا خالد نقشبندی و نقش آن در گسترش زبان و ادبیات فارسی در خارج از مرزهای ایران. *متن پژوهی ادبی*، ۲۷ (۹۶)، ۱۲۳-۱۴۷. doi: 10.22054/LTR.2021.51421.3007



Literary Text Research is licensed under a Creative Commons Attribution-Noncommercial 4.0 International License.